

کتاب های آسمانی  
بهترین کتاب ها برای  
کافر شدن هستند  
سلمان رشدی

# پیداری

ماهنامه ی شماره ی ۱۲۸ کانون خردمداری ایرانیان  
سال بیست و دوم - اردی بهشت ماه ۲۵۸۱ ایرانی - ۱۴۰۱ عربی

سخت است آزاد کردن  
مردمی که زنجیرهای  
خود را می پرستند  
ولتر

## هر کس گفت

# برای همدردی با گرسنگان روزه می گیریم

به او بگویند، برای همدردی با گرسنگان،

سرت را بکن داخل سطل زباله از غذای آنجا بخور

تا واقعاً درد گرسنگان را حس کنی

با غذا نخوردن تو هیچ گرسنه ای سیر نمی شود

## در نوروز کمی شادی باید

تنها دلخوشی امسال مردم ما در روزهای نوروز مرگ پیایی چند آخوند از مقامات بالای جمهوری اسلامی بود که همه را به وجد آورد و لبخندی بر لب ها نشانند. مرگ آخوندها را مردم به یکدیگر تبریک می گفتند و آرزوی مرگ همه آن ها را در سال جاری می کردند!

## اسماعیل وفا یغمائی

### زلزله و اسلام

از آقای اسماعیل یغمایی می پرسیم، ایران ما بارها و بارها شاهد رخدادهای ویرانگر زلزله بوده است و سالی نیست که چند زلزله بزرگ و کوچک در گوشه و کنار ایران رخ ندهد. و دین ما این

مانده در رویه ۳

## کمی شادی باید!

از یک هفته به نوروز مانده آخوندهای پیرتر و مشهور شروع به مردن کردند به طوری که بعضی روزها دو یا سه تن می مردند و ایران را از وجود ضد مردمی خود پاک می کردند و این امر خیر تا روز سیزده بدر پشت سر هم ادامه یافت و خوشحالی مردم از این مرگ ها چنان بود که صدایش به گوش همه آخوندها رسید و یکی از آن ها که مشهور می باشد و در حوزه علمیه قم استاد است به نام حجت الاسلام محمد زکایی

مانده در رویه ۲

## کمی شادی باید!

مانده از رویه ۱

مقاله ای در همین مورد نوشته که خواندنی است. حجت الاسلام می نویسد: «اخیراً مشاهده شده در فضای مجازی از مرگ یک انسان مردم ما به وجد می آیند؟ آیا مرگ یک انسان می تواند شادی بیاورد؟ اگر دقیق شویم در می یابیم شادی مردم از مرگ یک انسان نیست، شادی آن ها از مرگ یک عقیده است که خود را در غالب شادی از مرگ یک نماد از آن عقیده به نمایش می گذارد. و این برای آینده آن عقیده بسیار خطرناک است.

در آینده ای نه چندان دور با مرگ نسل های گذشته، دیگر اعتقاد به مذهب در بین نسل های جوان چون دهه های پیش امر رایجی نخواهد بود و شادی امروز مردم در مرگ یک روحانی اولین نشانه های مخالفت عمیق و قلبی مردم با ایدئولوژی سیاسی حاکم می باشد. درصد قابل توجهی از مردم بیچارگی و گرفتاری های خود را در این ایدئولوژی مذهبی سیاسی می بینند و با مرگ هر کدام از روحانیت شادی خود را بروز می دهند. به نظر می رسد سیاست و حکومت دینی آسیب فراوانی به دین و مذهب در کشورمان وارد ساخته و هر کدام از ما متوجه فاصله گرفتن مردم از اعتقادات مذهبی شده ایم.

تنها راه نجات دین و مذهب از آسیب بیشتر، خروج روحانیت از پست های حکومتی و پرداختن به مسایل اعتقادی جامعه است که البته خیلی دیر شده و بسیاری از افراد نسل های ۵۰ تا ۹۰ اعتقادهای دینی و مذهبی خود را از دست داده اند.

پنهان کردن این واقعیت نمی تواند از آسیب آن بکاهد. در تلویزیون های ما فقط جامعه ی دین دار و متدین نشان داده می شود ولی در زیر پوست شهر، دیگر چیزی به نام دین در بین بسیاری از مردم موضوعیت ندارد. ما نتوانستیم طی ۴۳ سال بر اعتقادات مردم بیفزاییم یا دستکم همان که بود را حفظ کنیم. با تمام بودجه های چند هزار میلیاردی، ما ده ها نهاد دینی و حوزه های علمیه ساختیم اما عملاً خروجی آن ها اگر منفی نباشد مثبت نبوده است. باید چاره ای اندیشید اسلام سیاست زده را رها نموده دوباره در تربیت صحیح اسلامی مردم گام برداریم. ما ظاهر سازی و تبلیغات تو خالی را بر تربیت نسل ها ترجیح داده ایم. اگر در خانواده و بستگان خود بنگریم جز پیرزن ها و پیرمردها که آن ها هم تربیت شده ی سالیان بسیار دور هستند دیگر کسی حتا نماز نمی خواند که هیچ بلکه تمام مظاهر دین را مسخره می کنند. ادامه این مسیر نشان خواهد داد که ایران تبدیل به بی دین ترین و سکولارترین کشور مسلمان خواهد شد و از این جز پوسته ای خالی و نامی باقی نخواهد ماند. استقبال خاص به ویژه جوانان از مناسبت ها و مظاهر پیش از آمدن اسلام به ایران، از آثار بارز این تغییر بنیادی در عقاید مردم است.

ما یک کشور مسلمانیم و اگر می گذاشتند خودمان عقاید مان را حفظ می کردیم، اما متأسفانه چنین نشد. بارها طلبه ها به من می گویند ما دیگر نمی توانیم با لباس روحانیت بیرون برویم از بس مورد ناسزا و سخنان زشت قرار می گیریم، یکی از طلبه ها به من می گفت فرزند چهارساله من روزی در هنگام خروج از منزل به من گفت اگر با لباس بیایی من با تو بیرون نمی آیم. به یاد سخن آیت اله شریعتمداری افتادم که می گفت روحانیت اگر وارد حکومت شود نه تنها خود که دین را نیز از بین خواهد برد. سخنان او درست از آب درآمد که فرزند خردسال من از لباس روحانیت شرمنده می شود ما باختیم، بدجوری هم باختیم.»

مهندس فرهنگ م- پاریس

بمناسبت ماه رمضان و ضربت خوردن

## قتل ابن ملجم نگون بخت

آنچه شیعیان شایع کرده و باور دارند عدل علی است! بارزترین مثال از عدالت طلبی مولای متقیان قاطعیت آن حضرت در برابر برادر خودش عقیل بوده، با اینکه عقیل نابینا، فقیر، مستمند بود و غبار فقر بر چهره کودکش هم نمایان بود، اما علی آن گونه که شیعیان می گویند ظاهراً هیچ گاه از موقعیت خود سوءاستفاده نکرد و از بیت المال چیزی بیشتر از سایرین به برادرش نداد، نوشته اند روزی عقیل ابن ابیطالب به برادرش علی ابن ابیطالب مراجعه می کند و از او می خواهد که از بیت المال به او پولی بدهد. امام همام علی به جای پول آهنی گذاخته در آتش را به سوی برادر نابینای خود نزدیک می کند و به روایتی به بدن او می زند و به کف دستش می گذارد و به او می گوید آتش جهنم از این داغ تر است، من را تاب و تحمل آن آتش نیست، چگونه از من می خواهی که به تو از بیت المال بدهم! شیعیان این ماجرا را با آب و تاب تعریف می کنند و آن را دلیل بر عدالت علی می دانند.

عقیل هم که بی مهری برادر را می بیند نزد دشمن علی یعنی معاویه پسر ابوسفیان می رود و از او درخواست کمک می کند، جالب است بدانید برادر دیگر علی، طالب نیز در جنگ بدر در صف دشمن «مکیان» قرار گرفته بود و علیه علی جنگید. در اصل مشکل بین علی با برادرانش مشکل سیاسی بوده و ربطی به عدل علی ندارد. وگرنه آهن داغ گذاشتن در دست کسی که نابینا است یک کار اخلاقی و انسانی نیست، البته اسلام گرایان به ویژه شیعیان به دلیل داشتن فساد اخلاقی و تجاوز به حقوق دیگران در بین خود، این داستان ها را در مورد امام اول شان تعجب برانگیز می دانند. اما چنین رفتارهایی قطعاً باعث نمی شوند که شخصی یک

## زلزله و اسلام

مانده از رویه ی نخست

رخدادهای طبیعی را خواست و اراده خدا می داند حتا سوره ای در قرآن آمده به نام زلزله! آخوندهای ما هم که در ساختن و نقل احادیث و روایت دست بلندی دارند حتا روحانی رئیس جمهور سابق ایران پس از رخداد زلزله بهم می گفت خداوند می خواهد ما را امتحان کند! یعنی زلزله را خواست خدا می دانند نظر شما در مورد زلزله و باورهای دینی و گفته های آخوندها چیست؟

یغمایی - داستان زلزله در کشور ما غریبه نیست، ایران ما مانند چند کشور دیگر از جمله ژاپن و مکزیک روی گسل زلزله قرار دارد با این تفاوت که آنها تا حد زیادی موفق شدند این رخداد طبیعی را مهار بکنند اما ما نتوانستیم و از دیرباز از قرن چهارم پنجم که قطران تبریزی زلزله تبریز را در شعر بلندی سرود و شرح و هولناک آن زلزله را داد تا به امروز زلزله ها ادامه دارد. چند بیت از شعر قطران چنین است.

بود محال تو را داشتن امید محال

به عالمی که نباشد همیشه بر یک حال

از آن زمان که جهان بود حال زین سان بود

جهان بگردد لیکن نگردهش احوال

در ادامه به توصیف تبریز زیبا قبل از زلزله و بعد از زلزله می پردازد

نبود شهر در آفاق خوشتر از تبریز

به ایمنی و به مال و به نیکویی و جمال

ز ناز و نوش همه خلق بود نوشا نوش

ز خلق و مال همه شهر بود مالامال

به روز بودن با مطربان شیرین گوی

به شب غنودن با نیکوان مشکین خال

تا اینکه زلزله می رسد و قطران شرح می دهد

خدا به مردم تبریز برفکند فنا

فلک به نعمت تبریز برگماشت زوال

فراز گشت نشیب و نشیب گشت فراز

رمال گشت جبال و جبال گشت رمال

دریده گشت زمین و خمیده گشت درخت

جهنده گشت بحار و رونده گشت جبال

ز رفتگان نشنیدم کنون یکی پیغام

ز ماندگان شناسم یکی به نام و جمال

کز آن درخت هم نمانده هیچ آثار

که هر زمان به زمین اندر اوفتد زلال

در حقیقت تصویر سروده قطران را می شود با تصویر سوره تکویر قرآن

مقایسه کرد

و آن فضای هولناک در قرآن است که کوهها می جنبند و درختان کنده می شوند و حیوانات رم می کنند، خورشید در هم پیچیده شود، دریاها شعله ور شوند، و آسمان از جا کنده شود.

ما حتا ادبیات زلزله داریم به دلیل کثرت زلزله در ایران. از سال ۱۹۰۰ تاکنون بیش از دویست هزار نفر از هم میهنان ما در زلزله های متعدد جان خود را از دست داده اند و خسارات مادی که غیر قابل حساب است.

پیش از آن هم زلزله های هولناک وجود داشته که در دل تاریخ ثبت شده است مثلاً در سال ۸۵۶ دویست هزار قربانی را شهر دامغان داد زلزله ای با ۹/۷ ریشتر که در اسناد زلزله سنجی جهان ثبت شده. در ۸۹۳ میلادی در اردبیل صد و پنجاه هزار قربانی گرفت. در سیزده اوت ۱۰۴۲ میلادی که شعر قطران در همین مورد است چهل هزار نفر از مردم تبریز قربانی شدند. در نوامبر ۱۷۲۷ دوباره در تبریز ۷۷ هزار نفر قربانی شدند. در ۱۷۵۵ در کاشان نزدیک به چهل هزار تن قربانی شدند.

در سیلاخور در منطقه بروجرد در سال ۱۹۰۹ شش هزار قربانی، بهر حال زلزله در سرزمین ما چیز تازه ای نیست. ایران ما منطقه ای زلزله خیز است منتها با یک تفاوت با ژاپن و مکزیک داریم که زلزله را دست همت بشر و دانش است که کنترل می کند ولی در کشور ما به ویژه از ۴۳ سال پیش با آمدن حکومت آخوندها که مردمانی دزد، غارتگر و بی مسئولیت هستند، فاجعه زلزله در ایران انعکاس و ابعاد مضاعف پیدا کرده و خواهد کرد و ما همواره شاهد سرگردانی و ویرانی و عوارض بعدی آن هستیم. این وضعیت کشور ما است در رابطه با یک رخداد طبیعی.

طبیعت چنین است، آتش فشان دارد، زلزله دارد، سقوط سنگ های آسمانی دارد که باعث از بین رفتن دایناسورها شده، طوفان وسیل دارد و خیلی مسایل دیگر. و مادر روی این زمین در میان منظومه شمسی در کهکشان خودمان و همسایگی با کهکشان های دیگر در یک جهان بسیار گسترده و عظیم و بی نهایت بزرگ زندگی می کنیم و همواره هم تنها هستیم، و دانش است و خود ما، و هیچ کمکی آنطور که آخوند و مذهب می گوید از جایی نمی رسد.

مذاهب کار خودشان را راحت کرده اند، می گویند بلای آسمانی است که به دلیل گناه بر سرش نازل می شود. آن ها می گویند جهان در اختیار الله است.

زلزله در زمان محمد هم رخ داد که انعکاس آن را در قرآن و سوره تکویر می بینیم زلزله روزی خواهد آمد که در اثر دانش بشری یک باز بچه شود، برای نمونه در ژاپن ساختمان هایی ساخته اند ده پانزده طبقه که در زیر ستون هایش بلبرینگ هایی نصب کرده اند که در هنگام وقوع زلزله ساختمان حرکت زلزله را خنثی می کند بدون اینکه در هم بریزد. روزگاری ما در غار زندگی می کردیم و روزگاری ببرها ما را می خوردند امروز ما ببرها و سایر حیوانات را بیچاره کرده ایم و همه از دست ما

شاهین فاتحی

دکتر احمد ایرانی

## من از مبارزه چهل ساله ام

### خداحافظی می کنم

یک کشوری داریم به نام روسیه، یک کشوری داریم به نام اوکراین، یک جایی آلمان نام دارد، جای دیگر فرانسه. باید بفهمیم که پوتین یک میهن پرست است نام میهن او روسیه است و در تامین منافع میهن و ملتش دست به هر کاری می زند. باید درک کنیم زلنیسکی جوان یک میهن پرست است نام کشور او اوکراین است و او در تامین منافع میهن و ملتش دست به هر جانفشانی می زند و ملتش هم پشت او ایستاده است و هر روز کشته می دهد. بقیه کشورها هم همین طور است همه فقط برای تامین منافع خود می اندیشند و همین، دیگران هرگز در حمایت از آزادی ما حتی یک عطسه هم نکرده اند چون اصلا ما برایشان ارزشی نداریم و اولویت با کشور و ملت خودشان است و این کاملاً منطقی است. بر عکس ما که همیشه بیگانه پرست و عاشق خارجی ها و بنده عرب ها بوده ایم. آن هائی که ظرف سه روز اینترنت اوکراین را وصل کردند چرا در آبان ماه برای جوانان ما این کار را انجام ندادند. می دانید چرا - از بی حالی ما ایرانیان بیرون از کشور است. من از بی مسئولیتی ایرانیان بیرون از کشور خسته شده ام.

من از دروغین بودن اپوزسیون متوهم خسته شده ام. و در مخالفت با بی تفاوتی هم میهنم در بیرون از کشور، و از امروز به آن ها و به خیل بی خیالان می پیوندم و تمامی نوشته هایم را در فضای مجازی تا آخر امشب حذف کرده و نوشته هایم را پاره می نمایم و از محضر شما خداحافظی می کنم. من بهترین سال هایی را که می توانستم به زندگی خودم بپردازم بیهوده صرف کردم و بدجوری بدهکار خودم شدم، جز تهمت ناروا و انگ و ناسزا نصیبم نگردید.

امروز در آستانه ۵۲ سالگی حتما مژه هایم سپید شده اند، می روم دنبال چوپانی و چند تا بز و گوسفند می چرانم، قطعاً آنجا موفق خواهم شد. بیچاره ایران که مردمانش ما باشیم. از همه یاران و آموزگارانم که صمیمانه تحمل ام کردند سپاس گزارم و برایشان تندرستی و شادکامی آرزو دارم.

**بیداری** - امیدواریم شاهین فاتحی این جوان پرشور و پر خون میهن پرست که نوشته های متفاوت او در بیداری و فضای مجازی مورد توجه بسیاری قرار گرفته است و هر گاه مطلبی در سایتش می نوشت به ساعتی نمی کشید که چند هزار لایک می خورد از تصمیم ترک مبارزه و نوشتن منصرف شود و به میدان سوت و کور ایران خواهی بازگردد.

## تکامل و دگرگونی دین ها

بررسی های علمی و پژوهش در مورد هشت دین بزرگ جهانی، یهودیت، هندوگرایی، بوداگرایی، تائوگرایی، کنفوسیوس گرایی، شینتوگرایی، مسیحیت و اسلام به روشنی نشان داده اند که تمامی این دین های بزرگ در آغاز بسیار ساده بوده اند و با گذشت زمان راه تکامل پیموده اند.

برای نمونه یهودیت که یکی از باستانی ترین و کهن ترین نمونه دین های زنده جهان به شمار می رود در طول مدت چندین هزار سال تدوین و گردآوری شده است. قرن ها پیش از آن که یکی از بزرگان و تدوین کنندگان این دین به نام «ابراهیم» در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از تولد مسیح به گردآوری باورهای این دین پردازد آنچه به نام «یهواگرایی» نامیده می شود به صورت اندیشه های ابتدایی وجود داشته است. پیام آور بزرگ این دین «موسا» در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به تدوین اصول بزرگ این دین می پردازد و یکی از بنیادگذاران اصلی آن به شمار می رود.

«هندوگرایی» که یکی دیگر از کهن ترین دین های زنده به شمار می رود دینی است بدون پیام آور و غیر آسمانی. این دین نیز پس از گذشت هزاران سال راه دگرگونی، تکامل و مدون شدن را پیموده تا به شکل کنونی خود درآمده است.

«بوداگرایی» از تجدید نظر طلبی در هندوگرایی پدیدآمده و بنیادگذار آن بودا دگرگونی های بزرگی در آن پدید آورد.

بررسی ها و پژوهش های جامعه شناسان و مردم شناسان به روشنی نشان می دهد که «پدیده دین» به مانند سایر پدیده های اجتماعی - انسانی، پیوسته در حال تغییر و دگرگونی بوده است.

بزرگترین ویژگی همه دین ها و مذهب های بزرگ جهان ویژگی «تکامل پذیری» از حالت های خام و ابتدایی به حالت های پیچیده و تکامل یافته تر بوده است. به طور کلی دین و مذهب پدیده ای است زمینی و ساخته بشر که هیچ ربطی به دنیای متافیزیک یعنی دنیای غیب و الهام و وحی آسمانی ندارد.

**بی دین ها آدم های بدی هستند اما با دین های**

**سنگسار کننده و اسیدپاش ها و بمب گذاران مسلمان**

**همه آدم های خوبی هستند!**

## صفا حقیقت

## کورش سلیمانی

## چرا ادعای محمد به پیامبری ساختگی

## بوده است؟

■ ادعای محمد مبنی بر گرفتن وحی از سوی الله بدون اینکه حتی یک تن شاهد آن ادعا باشد و یا به گوش کسی خورده باشد، و یا این که خبرییل به محمد پیام الله را داده و به او گفته «به اسم خدایی که انسان را آفرید بخوان، اقرا باسم ربك الذی خلق»... هیچ کدام این ها پایه و اساسی ندارد.

آیا خدا نمی دانست اگر محمد شاهی نداشته باشد مردم به این آسانی ایمان نخواهند آورد تا محمد مجبور نشود برای قبولانندن سخنان بی سند و بی شاهدش موجب قتل هزاران انسان بیگناه گردد. محمد نه اینکه پیامبری از سوی کسی نیست بلکه او در دادگاه خرد و اخلاق محکوم به جنایت علیه بشریت می باشد.

■ به ادعای همه مفسران اهل تسنن و تشیع نخستین سوره ای که بر محمد نازل شد سوره «علق» می باشد و قاعدتاً باید الله برای فرستادن نخستین سوره اش به پیامبر جدید و سواس و دقت زیادی به خرج دهد و با زیباترین پیام ها و جملات کتابش را آغاز کند در حالی که حال انسان از خواندن این نخستین پیام الله بهم می خورد. خلاصه سوره علق عبارتست از، تعریف کردن از خودش، ادعای نادرست داشتن برای اینکه انسان تا آن روز نوشتن و خواندن نمی دانسته، که دروغ است و پیش از او کاتبان موسا و عیسا بودند و کورش منشور آزادی و حقوق بشر را نوشته بود حتی اسلمان فارسی که از ایران رفت و محمد را آموزش داد استاد زبان فارسی بود. در سوره «علق» الله تهدید به کشیدن موی پیشانی کسانی می کند که سخنان محمد و الله اش را باور نکنند و آنانرا تهدید به فرستادن نگهبانان جهنم می کند که مسئول آتش زدن و سوزاندن انسان در روز قیامت هستند!

خوانندگان بیداری اگر قرآنی با ترجمه فارسی در اختیار دارند و یا از راه اینترنت می توانند آن را پیدا کنند همین یک سوره کوتاه چند سطری «علق» را بخوانید و به محتوای کل قرآن پی خواهید برد که جز از دهان یک انسان بدوی و بی سواد و بی فرهنگ این سخن ها بیرون نمی آید. همین یک آیه نشانگر ساختگی بودن ادعای پیامبری محمد است.

در کشتی که در حال غرق بود همه می گفتند یا خدا، عاقلی در بین آن ها بود که می گفت کاری بکن ناخدا! محمد محمدی

## اگر و مگرهای تورات

■ چرا در تورات سخن از صیغه اوراهام یا ابراهیم به میان آمده است؟ در بخش حی سارا فصل بیست و پنجم برشیت می زنان صیغه ای داشت هدیه هایی داد و آنها را هنگام حیاتش از پیش پسرش بیصحاق به سمت مشرق به سرزمین خاور روانه کرد....

■ مگر صیغه در آن زمان رواج داشته و مجاز بوده است؟ اگر بوده پس چرا اکنون یهودی ها این کار را کنار گذاشته اند و از این نعمت خدادادی خود را محروم کرده اند ولی مسلمان ها از دو نوع آن، موقت و دائم اش بهره می برند. آیا مسلمان ها از یهودی ها با ایمان تر هستند که به فرامین الله عمل می کنند و یهودی ها به رحمت و نعمت خداوند پشت کرده اند!

■ چرا ابراهیم نمی خواست پسرش اسحاق از سرزمین کنعان زن بگیرد، عیب و ایراد کنعانی ها چه بود، مگر کنعانی ها توسط خود ابراهیم یهودی نشده بودند؟

■ به روایت تورات «سارا» همسر ابراهیم ۱۳۷ سال عمر کرد و پس از او شوهر وفادارش! زن دیگری به نام «قطورا» گرفت که از قضای روزگار این زن دوم برایش شش فرزند قد و نیم قد زایید در حالی که خداوند در تمام عمر طولانی ابراهیم و سارا فقط یک فرزند به آن ها داد و چرا پس از مرگ سارا، درب رحمت خداوند مهربان باز شده و بی وقفه شش فرزند به ابراهیم و زن دومش می دهد آن هم پس از سن ۱۳۷ سالگی!؟

■ مگر زن دوم حضرت برایش شش فرزند نیاورده بود که سراغ چند زن صیغه ای هم رفت. خداوند تبارک و تعالی چرا بعضی پیامبران را خیلی دوست داشته و دست آن ها را در امور جنسی متفاوت کاملاً باز گذاشته است؟

■ چرا ابراهیم در سن ۱۷۵ سالگی و به هنگام مرگ ارث اش را به پسر دومش اسحاق بخشید و به فرزندان که از کنیزانش داشت فقط هدیه هایی داد و دیگر هیچ؟ به ویژه برای اسماعیل پسر اول و بزرگش که فرزند «هافر» کنیز سارا بود هیچ ارثی نگذاشت، هدیه هم به او نداد.

هنگامی که ابراهیم بت ها را می شکست، به بت

پرستان می گفت، شما چگونه بت هایی را

می پرستید که حرف نمی زنند؟ یکی از بت پرستان

گفت مگر خدایی را که تو می پرستی حرف می زند؟

## گاف مهمی از عبدالعلی بازرگان پسر مهندس مهدی بازرگان

آقای عبدالعلی بازرگان تقریباً هر روز بامداد تا شامگاه هر میکروفونی را پیدا کند یک تنه به دفاع از اسلام و محمد و امامان و برخی از ملایان می پردازد. او که تمام عمرش را به همراه پدرش و شریعتی با رژیم شاه می جنگید فقط ۲ ماه در رژیم شاه زندانی شد ولی در رژیم مورد علاقه خود که جمهوری اسلامی نام گرفت و پدرش نخستین نخست وزیر آن رژیم گردید او به ۲ سال زندان محکوم گردید!

چندی پیش از ایران ویدئویی از این مرد مومن دو آتشه برای بیداری فرستاده شد که ایشان در این ویدئو و مصاحبه به شکلی ناخواسته اثبات کرد که مطالب قرآن نمی تواند گفته های محمد پیامبر اسلام باشد. در صورتی که او با نظر آقای سروش قبلاً بشدت مخالفت می کرد که می گفت قرآن وحی از سوی خدا نیست و نوشته های قرآن همه رویاها و خیالات محمد بوده است

اینک به مصاحبه او با آقای بی به نام مصطفی خادم که یک تلویزیون کاملاً اسلامی راه انداخته نگاه می کنیم تا به نتیجه جالبی برسیم.

**مصطفی خادم (م-خ)** - بحث امروز ما در ارتباط با میزان اعتبار روایات و احادیث است. آقای بازرگان بفرمایید متون مختلفی هست که در موازات با قرآن مورد استفاده مسلمانان قرار می گیرد، کتاب های تاریخی اسلامی هست کتاب های تفسیر هست و کتاب های فقهی. که در این کتاب ها با متون قرآنی تناقضاتی دیده می شود.

**عبدالعلی بازرگان (ع-ب)** بله منابع معرفت دینی در جوامع اسلامی تنها قرآن نیست، قرآن به عنوان کتاب الهی مطرح است در کنار قرآن ده ها بلکه سدها هزار حدیث و روایت هست که از پیامبر و امامان در مکتب تشیع از آن ها استفاده می کنند و این ها هم هیچ کدام در آن زمان ضبط صوتی نبوده که عیناً سخن پیامبر و یا آن بزرگواران بوده باشد! آنچه که سینه به سینه نقل شده در طول قرن ها بوده است. بنابراین ما مواجه هستیم با دریایی از اقوال، نظریات مختلف که انسان های معتبر و غیر معتبر نقل کرده اند، به گونه ای که هر کسی می تواند به بخشی از این روایات کارهای خودش را مستند کند. هم گروه های تروریستی مانند القاعده و خشونت طلبان در پاکستان و هم در ایران، برای خود دلایل حدیثی و روایتی دارند.

آن هایی هم که حقوق زنان را پایمال می کنند آنها هم به اندازه کافی برای خودشان سند و مدرکی دارند که بگویند پیامبر این را گفته و امام آن را گفته است این ها در طول قرن ها پدید آمده، چندین هزار نفر این ها را جمع آوری کرده اند، روی استنباط و نظریات خودشان نقل کرده اند سینه به

سینه در طول چهارده قرن این ها فراهم شده و بدست ما رسیده است و چقدر دست و پاگیر شده است این روایات و احادیث جعلی. در تشیع تسویه این روایات خیلی سخت تر است از تسنن. چون در تشیع آخوندها حقوق بگیر مردم هستند و باب میل آن ها حدیث و روایت می آورند در حالی که در تسنن چون آخوندهایشان حقوق بگیر دولت هستند می توانند این روایات را کمتر به زبان بیاورند.

**(م-خ)** آقای بازرگان، در دنیای اسلام از همان اوائل که این روایات و احادیث را شروع به جمع آوری کردند چه کسانی بودند و چگونه جمع آوری شد و چگونه ثبت و منتقل شده آیا از طریق نقل و قول بوده که می بینیم مثلاً در مورد یک حدیث یا روایت اسامی که می آورند تا بیست نسل به عقب برمی گردند و می گویند فلانی از قول فلانی گفته و فلانی از قول فلانی و فلانی و فلانی نقل کرده اند. همین امروز اگر نقل قول دو روز پیش را از کسی می شنوید دست کم بیست درصد آن از بین رفته است حالا چه برسد به اینکه بیست نسل گذشته باشد همه این ها سؤال برانگیز است.

**(ع-ب)** بله. دقیقاً در فرهنگ دهخدا نام دو هزار و چهار صد نفر ذکر شده که این ها حدیث نقل می کرده اند، درحالیکه تا خود پیامبر برای مدت زیادی ممنوع کرده بود کسی چیزی از او نقل کند یعنی تا سد سال پس از پیامبر هیچ حدیث و روایتی ثبت نشده است. تا اینکه در زمان عمرابن عبدالغریز که سد سال از هجرت گذشته بوده این ممنوعیت را برمی دارد. اولین کتاب حدیثی که نوشته می شود توسط شخصی ایرانی بوده به نام «بخاری» که به چند کشور اسلامی می رود و با هر کس که از زبان پیامبر شنیده بوده و در زمان پیامبر بوده گفتگو می کند و می نویسد **(اولین گاف آقای بازرگان)** - خودش می گوید تا سد سال ذکر هر قولی از پیامبر و امامان ممنوع بوده پس بخاری با افرادی گفتگو کرده که بالای سد سال داشته اند! مگر چند نفر بالای سد سال آن هم در آن زمان ها که متوسط عمر انسان ها پنجاه بیشتر نبوده است، زنده بوده اند؟ حتا تا زمان قاجاریه متوسط عمر ایرانی ها و بالطبع سایر کشورهای منطقه همین حدود بوده است و احادیث جمع آوری شده توسط «بخاری» هم نمی تواند مستند و حقیقی باشد. آقای بازرگان ادامه می دهد.

«بخاری»، که به مصر و سوریه و عراق و چند کشور دیگر سفر می کند با هزار و هشتصد تن مصاحبه می کند. او در این سفرها می تواند ششصد هزار حدیث جمع آوری کند، یعنی فقط در دو قرن پس از درگذشت محمد این همه روایت و حدیث جمع شده که در نهایت «بخاری» فقط چهار هزار از آن ها را باور می کند و در کتابش می آورد، بازرگان می گوید، اگر این چهار هزار تا را هم بخوانید می بینید که چه چیزهایی توش پیدا میشه! پس سال ۲۲۰ هجری نخستین کتاب حدیث توسط «بخاری» نوشته می شود، یعنی ۲۲۰ سال از هجرت و مرگ محمد گذشته

## مسعود نقره کار

## هدیان های مقدس

در شماره پیش سخنان جالب و البته عجیب امین را شنیدید که سارای زیبا دلش را ربوده بود (حتماً نکته سنجان خواننده می دانند امین کسی جز پیامبر اسلام نیست) امین کسی که مخالف موسیقی و شادی است به دیوید گفت: دست از این مزقون زدن بردار، لااقل ذره ای غمگین بزن، شنیدن موسیقی شاد آدم را سنگ دل می کند، خداوند شادی کنندگان را دوست ندارد. شادی قلب را تاریک می کند. و دیوید به امین پاسخ تندی می دهد: مزخرف می گویی برادر، امین پاسخ می دهد البته من با دف مخالفتی ندارم در یکی دو تا از عروسی های من دف نواختند، من از خاندان برجسته ولی فقیر صحاری بی آب و علف (حجاز) هستم. مرا یک راهب مسیحی به این گذرگوزن ها (تیمارستان) آورد، تنها چیزی که در زندگی من مبهم نمانده تعداد همسران من است. آن راهب هنگامی که مرا تحویل گذرگوزن ها می داد گفت: ای مومن آنچه خداوند برای تو مقرر کرده پدران و حکیمان است...

حتا زن امین می داند امین عاشق سارا شده است. نخستین روز که سارا را دید با دهانی باز و چشم هایی گشاد شده و حیرت زده پرسید: شما سارا هستید یا ساحر و ساحره؟ زیبایی شما جادویی است، شما نمک جهان هستید، و سارا با عشوه و ناز پاسخ داده بود، اگر نمک خاصیت اش را از دست بدهد چه، دیگر به کاری نمی آید جز اینکه بیرون ریخته شود و پیام مردم گردد. آری من سارا هستم، زیبایی زندگی و جهانم، افسوس که زیبایی من زشتی های دستگاه آفرینش را نمی پوشاند!

امین آنانی را که سارا را آزرده اند نفرین و تهدید می کند. روبرو آسمان کرده می گوید تو فقط فرزند ابراهیم را در کوه «موریا» قربانی نکردی، این دختر زیبا را هم قربانی کردی ای هستی بلاهت و سنگدلی.

به سراغ «لین» می رود و با او سخن می گوید. امین تنها مردی در گذر گوزن ها است که به هر زنی سر می زند و به دیدار «لین» هم می رفت و با او وقت می گذراند. لین زنی جوان بود اما قوز و چهره نازیبایی داشت که گاهی در اندیشه خودکشی می افتاد. مردان گذرگوزن ها او را نمی پسندیدند. امین به لین می گوید اگر خودکشی کنی بخشیده نخواهی شد، ایکاش عملی شهادت طلبانه به قصد قربت و با هدف ضربه زدن به دشمن در دفاع از اعتقاد و مقدسات انجام می دادی، ابراهیم حتا هنگامی که دریافت به مرض «برصی» قلفه آلت تناسلی مبتلاست هم دست به خودکشی نزد. او را از شهر بیرون کردند، اما دوباره به شهر بازگشت.

حالا امین را از پنجره اتاقش می توانید ببینید. نزدیک تر که می شویم

صدایش را واضح تر خواهیم شنید. پس از کمی قدم زدن در اتاق لبه تختخواب می نشیند. با دو صدای متفاوت با خودش حرف می زند. اگر او را نشناسید و ندانید که اتاقی تک نفره دارد خیال خواهید کرد دو نفر توی اتاق با صدای بلند با هم حرف می زنند! به خودش می گوید:

این گور خالی است، مرده این گور پیش از مرگ یادداشتی به دست آخوندی که برگورش نماز میت می خواند داد تا برای نمازگزاران بخواند. پیام این بود، من باز خواهم گشت و شما را با خود خواهم برد. مرده مهربان کار ما را راحت کرد، وقت هدر نخواهیم کرد و بر سرگور خالی فاتحه نخواهیم خواند.

امین می رود جلوی آئینه می ایستد، و با خودش در آئینه شعار می دهد،

سیبل را جلوی آئینه شانه کن تا دندان هایت محکم، بی پولی غیب، و پشت محکم، و بلغم قطع شود. ریش را شانه کن تا آب کمر زیاد و قوت امر مجامعت افزون گردد، امین یارب العالمین.

لین که مدتی است نیت به خودکشی دارد در اتاقش به خود می گوید: باید بروم وسط اتاق بر روی آن چهار پایه بایستم و با آن حلقه طناب کار را تمام کنم. صدای آوازی می آید، آوازی که مردگان را زنده می کند، مگر صدای آن بزرگواری نیست که از پیروانش خواست او را پیروی کنند، شاگردی به وی گفت، سرورم نخست اجازه ده تا بروم و پدر خود را به خاک بسپارم، و او به شاگردش گفت مرا پیروی کن و بگذار مردگان، مردگان را به خاک بسپارند.

همه مصیبت های خاورمیانه را این چوپان جوان به راه انداخته است، از چوپانی که وارث سلطنت شود بیش از این انتظار داری؟ چوپانی که گوساله های طلایی اش صدای گاو از خود در می آورند.

«لین» موهایش را از حلقه طناب رد می کند و طناب را به دور گردن اش می اندازد گره حلقه طناب را سفت می کند، چارپایه چوبی را جا به جا می کند تا روی آن بایستد و آن سوی طناب را به قلاب آهنی پنکه ی سقفی گره بزند.

ادامه دارد

**امام رضا پس از ابراز همدردی از کشته شدن دو آخوند در صحن حرمش، در پاسخ به اینکه چرا جان این دو تن عزیزانت را نجات ندادی؟**

**پیام فرستاده من فقط ضامن جان آهو هستم!**

## حاج آقا چند تا پرسش دارم

آخوند محله به مدرسه ای برای سخنرانی رفت، یکی از دانش آموزان پیش از سخنرانی گفت، حاج آقا من چند تا پرسش دارم اجازه دارم بپرسم؟

آخوند گفت در اسلام حق پرسش نداریم مگر برای دستورات دینی. ولی اشکالی ندارد چه می خواهی بپرس. دانش آموز دفترش را باز کرد، گفت چون پرسش های من زیاد بودند چند تایش را یادداشت کرده ام که یادم نرود. حاج آقا خدا چگونه به وجود آمده است؟ - چه کسی خدا را دیده است؟ - چگونه شراب نجس است اما بهشت پر از شراب است؟ - چرا سگ اهلی نجس است اما گرگ وحشی نجس نیست؟ - چرا یک پیامبر زن بین ۱۲۴ هزار پیامبر مرد نداشتیم؟ - چرا یک پیامبر از چینی ها و از آمریکایی ها نداریم؟ - از کشفیات مهم علمی یا اختراعات پیامبران یکی را نام ببرید؟ - در قرآن نوشته ازدواج با نزدیکان (محارم) حرام است پس نسل آدم و حوا همه حرام زاده هستند؟ اگر تا به حال امام زمان نیامده از کجا معلوم که در آینده بیاید؟ او در زمانی که تیمور لنگ ۲۷ میلیون انسان را کشت نیامد، زمانی که هیتلر ۶ میلیون نفر را کشت نیامد، هنگامی که وبا و زلزله هزاران نفر را می کشت هم نیامد. پرسش های دانش آموز تمامی نداشت، آخوند سر گیجه گرفته بود و نمی دانست از دست این بچه چگونه خود را نجات بدهد که زنگ تفریح مدرسه به صدا درآمد و آخوند سریع کلاس را به سوی دفتر مدرسه ترک کرد و چند قرص سردرد و اعصاب خورد که نمی دانست پاسخ چه بدهد.

### صفا حقیقت

## خدای بی نظم، پیامبر بی نظم تر

گفته بودم به ادعای محمد نخستین سوره الله که بر او نازل شده سوره «علق» می باشد. آخرین سوره ای هم که پایان آمدن وحی بوده سوره «نصر» می باشد. در حالی که نه سوره علق در ابتدای قرآن و نه سوره نصر در انتهای قرآن دیده می شود. سوره علق سوره نود و ششمین و سوره نصر سوره صد و دهمین از سوره های قرآن است! کتابی بی سر و ته که میگویند همین کتاب است

آیا همین بی نظمی در سومین کتاب الله پس از تورات و انجیل کافی نیست که معلوم شود نه خدای منظمی داشته ایم که به پیامبرش بگوید، مباد سخنان مرا درهم و برهم به گوش مخلوقم برسانی، و نه پیامبر با انضباطی داشتیم که به راست و دروغ سخنانش اعتماد کنیم و دو خط از خودش برجای گذاشته باشد که در سخنان من، دخل و تصرف نکنید و به همان ترتیبی که الله به من پیام داده آن را به صورت کتاب در آورید.

نویسنده سم هریس

## نامه ای به امت مسیحی

البته بدون تردید مسیح کلمات زیبا و ژرفی درباره عشق، از خودگذشتگی و دستگیری از مستمندان گفته است، باور به این قوانین طلایی به درستی درک یک حقیقت اخلاقی است. اما آموزگاران بی شماری این قوانین را قرن ها پیش از مسیح گفته اند، زرتشت، بودا، کنفوسیوس، اپیکتتوس... و کتاب های بی شماری درباره اهمیت عشق و از خودگذشتگی موثرتر از کتاب مقدس به رشته تحریر در آورده اند بدون اینکه در آن به گونه ای زنده و ناهنجار مانند تورات و انجیل از جور و تعدی تجلیل کرده باشند.

اگر شما فکر می کنید مسیحیت صریح ترین و پاک ترین بیان مهربانی و عشق است که جهان تا به حال تجربه کرده است شما چیزی درباره ادیان دیگر جهان نمی دانید. برای نمونه مذهب «جینیسم» را در نظر بگیرید. اصول و تعالیم «جینیسم» هرگونه تجاوزی را به هر موجود زنده ای بد و ناپسند می داند. «جینیسم» مذهب صلح جوی هند تاثیر قابل ملاحظه و چشمگیری در فلسفه، منطق، هنر، معماری، ریاضیات، نجوم و اخترشناسی کشور هندوستان داشته است. اصول و تعالیم مندرج در انجیل آنچنان تیره، درهم برهم و متضاد است که به مسیحیان اجازه داد تا با شادمانی زیاد کافران را برای پنج قرن طولانی زنده زنده در آتش بسوزانند.

انگیزه سیون یا تفتیش عقاید مردم و تعقیب متخلفان مذهبی، در محکمه های مذهبی اروپا تاسیس شد. این محکمه ها ابتدا توسط روسای مذهبی (کشیش ها) اداره می شد و در قرن سیزدهم از طرف پاپ به دست جمعی از «تارکان دنیا» سپرده شد و آنان مجازات را به نهایت قساوت و بی رحمی انجام می دادند. این محکمه در قرن شانزدهم در تمام اروپا برقرار شده بود ولی به تدریج تا اوائل قرن نوزدهم در اغلب کشورها برچیده شد و با تلاش روشنفکران این خشونت مذهبی پایان گرفت. در این دوران فقط در اسپانیا ۳۴۰ هزار نفر را عمال بی رحم این سازمان مخوف مذهبی شکنجه و آزار کردند و ۳۲ هزار تن از آن ها را زنده در آتش سوزاندند.

**همه مردم جهان از یک نژادند، نژاد بشری.**

کارل مارکس



## دکتر حسن روشننگر

## و انسان خدا را آفرید

**جینیسم** - دین بزرگ دیگری در هند است. فلسفه جینیسم دوری مطلق از وابستگی های جهان است که با بودیسم در تضاد است. در این دین «ماها ویرا» مبلغ دینی گشت که در آن فریب، آز، خشم و غرور نباشد. جینیها به وجود خدا باور ندارند و حتا بحث درباره آن را مردود می دانند. به کردار نیک پای بندند و توسل و دعا را کاری بیهوده می دانند. آن ها روحانیون را باور ندارند، رستگاری را با دانش و کردار درست امکان پذیر می دانند. آزار حیوانات حتا حشرات را ناروا و بد می دانند. تعلق خاطر به اشیاء و تسلیم به احساسات را راه سقوط اخلاقی می دانند.

کم رفتن به مسافرت، اجتناب از غیبت، ۴۸ دقیقه در روز به فکر فرو رفتن، افتادگی، مهربانی، احترام به آموزگار، سپاسگزاری، نیکوکاری از کارهای نیک روزانه آن ها است. «ماها ویرا» نظام طبقاتی را محکوم می کند.

او در سال ۶۸ پیش از میلاد با خودداری از خوردن آب و خوراک خودکشی کرد. دستورات او در ۲۱ بخش در آغاز قرن سوم پس از میلاد مورد قبول سفید جامگان ایران بود.

**بودیسم** - بودیسم مانند جینیسم وسیله یک امیرزاده به نام بودا در ۵۶۰ پیش از میلاد در شمال هندوستان بنیان گذاری شد اسم اصلی بودا «سید هارتا» بود و بودا لقب انتخابی او بود. به باور بودایی ها بودا از بهترین تبار در بهترین نقطه هندوستان وارد رحم با تقواترین زن گردید و روز پس از تولد بودا مادرش مرد. او در چهار کاخ مجلل رشد و سرانجام ازدواج کرد. به باور بودایی ها موجودات جهان همه روزی نابود خواهند شد. ایده نیروانا که هیچ چیز به تنهایی وجود ندارد مقصود اصلی بودا است. بودا هرگونه رقابتی را در خود کشت و شادی خاصی در خود حس کرد و تسلیم محض بود. بودایی ها لباس زرد می پوشند، سر و صورت می تراشند و برای تهیه خوراک گدایی می کنند. بودا به خدا باور نداشت و برای هدایت دیگران فرستاده نشده بود، برای بودایی ها معجزه مفهومی ندارد. می گوید هرگز نمی توان تنفر را با تنفر از میان برد. کتاب مقدس بوداسه بخش است انضباط، آموزش و متافیزیک که شامل نکات پیچیده و ظریفی است. بودا در سال ۴۸۰ پیش از میلاد در سن هشتاد سالگی درگذشت. بدنش را سوزاندند و خاکستر او را به ده نقطه هندوستان فرستادند که بعداً روی هر کدام معبدی ساختند.

این مذهب امروز در برمه، سیام، چین و ژاپن باورمند بسیار دارد اما جز در بخشی از هندوستان تقریباً در این کشور از میان رفته است.

سیک - سیک ترکیبی از دودین اسلام و هندو است. در این آیین چیزی تازه وجود ندارد. وحدت و تسلیم از اسلام و کارما و مایا از هندو. «نانگ» آورنده این دین در سال ۱۴۶۹ میلادی نزدیک لاهور به دنیا آمد. از خانواده ای فقیر بود و تا ۳۶ سالگی شبانی می کرد. با دوستی از ایران به نام «مردانا» که مسلمان دینداری بود آشنا شد. «نانگ» مخالف «کاست» و طرفدار صلح بود. پیام او برای تمام مردم پنجاب که بیشتر مسلمان و هندوی طبقه پائین که همیشه در جدال و جدایی بودند پیامی گیرا بود. او در ۶۴ سالگی کمی پس از مرگ دوست ایرانی اش «مردانا» درگذشت. پس از مرگش داستان ها ساخته شد و معجزات بزرگی مانند زنده کردن فیل و انسان به او نسبت دادند و عده ای او را خدا خواندند. پس از مرگ او ۹ «نانگ» دیگر جانشین او شدند. «نانگ» چهارم در زندان مسلمان ها کشته شد و این رویداد سیک و اسلام را از همدیگر دور کرد. سیک ها کشیش و آخوند ندارند و آموزش دین به عهده خود مردم است. نوجوانان در سن ۱۴ سالگی با مراسم تعمیم به اجتماع سیک می پیوندند.

«نانگ» ششم دستور داد که سیک ها همیشه باید موی سر و صورت داشته با زیر پوش تاسر زانو، شانه و الگو و یک چاقو هم با خود داشته باشند! این دستور به شدت از سوی سیک ها رعایت می شود. کتاب مقدس سیک «گرافت» است. فلسفه مهم سیک ها «هایا» است. آن ها قانوناً برای دین خود تبلیغ نمی کنند.

## قتل ابن ملجم نگون بخت

مانده از رویه ۲

الگوی اخلاقی برای انسان های تمام دوران ها شود.

این داستان ها بیشتر در کتاب نهج البلاغه آمده است که ۴۰۰ سال پس از حیات علی نوشته شده است، کتابی است که اسناد معتبری را از او بیان اعلام نمی کند و به همین دلیل ارتباط این کتاب با امام علی بسیار ضعیف است، این کتاب ارزش تاریخی چندانی ندارد.

قتل ابن ملجم هم از دیگر داستان هایی است که شیعیان همواره تکرار می کنند. ببینید یکی از نویسندگان شیعه در مورد این قتل چه گفته است.

شیعیان همه می دانند که مولا علی هنگامی که با ضربه شمشیر ابن ملجم در بستر شهادت افتاده بود، وقتی برایش شیر آوردند، فرمود آیا برای ضارب من ابن ملجم نیز غذا برده اید و توصیه می فرمودند که نه تنها بدرفتاری با او نشود حتا گرسنه یا تشنه هم نماند و فرمودند اگر زنده بمانم خود می دانم با او چگونه رفتار کنم و اگر زنده نمانم شما اجازه دارید فقط یک ضربه همانگونه که او زده است بزنید و نکند او را مثله و یا شکنجه نمایید. براساس نوشته بالا علی نمی دانسته که خواهد مرد یا زنده می ماند. شیعیان نیمه دیوانه می گویند که امام علم غیب دارد و از همه اسرار آگاه است! از سوی دیگر ابن ملجم فکر می کرد اسلام مانده در رویه ۱۰

## زلزله و اسلام

مانده از رویه ۳

فراری هستند. دانش زندگی ما را زیر و رو کرده است. در کادر نگاه مذهبی آخوندی ما با یک دستگاه روبرو هستیم که این دستگاه آثار و خرابی هایش بدتر از تمام زلزله های تاریخ ایران است. در این دستگاه ما به زبان آخوند با یک جهانی روبرو هستیم که توسط الله خلق شده و این جهان در حیطه قدرت اوست و تمام هست و نیست در اختیار اوست و هیچ برگی بدون اجازه او بر زمین نمی افتد و اوست که زلزله را در کادر بلایا قرار داده نماز هم دارد. الله می خواهد گوش بشر را بکشد بشری را که خودش خلق کرده است، دلایلی که در قرآن هم آمده، گناه است، کفر است، سرپیچی کردن از او امر پیامبران است. در این دستگاه تمام قدرت در دست الله است. ما در این سیستم با یک پروردگار سادسیم طرف هستیم بیمار، کینه توز، قهار که بشر را با صاعقه، با زلزله، با رعد و برق شکنجه می دهد، له اش می کند و از او می خواهد که الله را فراموش نکند و همیشه از او بترسد. زلزله ها ادامه دارد و در پایان کار هم با یک زلزله بزرگ جهان به پایان می رسد و آن تصویر هولناک که در آیه تکویر می خوانیم جهان را درهم می کوبد و له می کند و قیامت آغاز می شود! فراموش نکنیم زلزله هایی را هم که می فرستد بیشتر روی بدبخت ترین مردمی که بسیارشان نان شب ندارند رخ می دهد. بولدورها که در ساختمان های بتون آرمه خودشان راحت نشسته زلزله هم بیاید اتفاقی نخواهد افتاد. در احادیث هم از قول امام صادق و امام باقر در کتاب های آخوندی درباره زلزله دلایل خود را دارند.

امام صادق گفته، ذوالقرنین وقتی که به سد یاجوج و ماجوج رسید! داخل در ظلمات گشت. ناگاه ملکی را دید که برکوهی ایستاده است طول این ملک پانصد زراع ( ۲۵۰ متر) بود ذوالقرنین می پرسد تو کیستی گفت من ملکی از ملائکه رحمان هستم و موکل بر این کوه که هرگاه خداوند اراده کند تاشهری را ویران کند به من وحی می کند تا کوه را بلرزانم در حدیثی دیگر زمین را برگردده یک ماهی دانسته که در موقع زلزله آن ماهی یک فلس خود را تکان می دهد و زلزله ای که خداوند خواسته اتفاق می افتد! امام صادق تئوریسین الله از این احادیث زیاد مرتکب شده است. به یاد شعری از خیام می افتم که باورمندان به این سخن ها را خران می نامد.

گاوی است بر آسمان و نامش پروین - یک گاو دگر نهفته در زیر زمین چشم خردت باز کن از روی یقین - زیر و زبر گاو تو مشت «خر» بین خلاصه اینکه ما با یک خدای نیرومند، قهار، جبار روبرو هستیم و بشری که او خلق کرده و این بشر فرامین او را دقیقاً اجرا نمی کند و از دیر باز تاکنون در تمام کتب آسمانی این بشر باید تنبیه شود.

نمونه هایی که در خود قرآن آمده هم کم نیست، در جایی درباره طوفان نوح می نویسد. مردم حرف نوح و خدا را گوش نکردند و خدا کل زمین را

برد زیر آب و به جز چند تا حیوان که در کشتی نوح حفظ شان کرد همه را از بین برد و تنبیه کرد. یا قوم عاد را که نافرمانی می کردند، نواندیش بودند، قبول نداشتند، مرتد بودند. یک طوفان وحشتناکی می فرستد تمام این قوم را نابود می کند، قوم لوط هست که یا آنها را خفه می کند یا با رعد و برق از میان برمی دارد.

این دستگاهی است که آخوند در ذهن ما کار گذاشته است و ما تسلیم شده ایم و باید شکرگذار این دستگاه هم باشیم. آخوند مطهری سعی بسیار می کند که شکرگذار چنین پروردگاری باشیم. این اندیشه ها ما را کاملاً فلج کرده و گرفتار شده ایم. ما اسیر این دستگاه هستیم ولی خوشبختانه در طول تاریخ ادبیات و فرهنگ اصیل ما در برابر آن ایستاده است.

زلزله و حرکت های طبیعی را باید مهار کرد، البته پس از این که یک زلزله سیاسی آخوندهای کثافت و رژیم شان را از صحن ایران پاک کرد. من مطمئنم مانند کشور ژاپن ما این رخدادهای طبیعی را کنترل خواهیم کرد. زلزله ها چند دهه بعد از منابع تولید انرژی می تواند باشد. نخست باید روشن اندیشان و روشنفکران ما از این دستگاه مسموم، جرات کنند و خود را نجات بدهند و جهان را واقعی ببینند.

## قتل ابن ملجم نگون بخت

مانده از رویه ۹

برای برابری و برادری آمده است و از این رو همچون سایر خوارج دموکرات معتقد بود که خلیفه باید انتخابی و شایسته ترین فرد باشد که این خواص را در علی نمی دید. او در هنگامی که به علی حمله برد فریاد زد «حکمیت از آن خداست نه تو ای علی».

شیعیان معمولاً به همین قصه ها دل خوش اند و به تاریخ علاقه چندانی نشان نمی دهند. سرانجام ابن ملجم به کجا کشید؟ علی در اثر همان یک ضربه ابن ملجم می میرد، وقتی خواستند ابن ملجم را بکشند یکی از بستگان نزدیک علی به نام عبدالله ابن جعفر کار را به عهده گرفت و گفت نخست دست و پاهای او را ببرید (کسی به سفارش علی که قاتل مرا فقط با یک ضربه بکشید گوش نکرد) سپس میخی را در آتش سرخ کرده به چشمان ابن ملجم وارد کرد و سپس او را در حصیر پیچیدند و نفت مالیدند و آتش در آن زدند و بسوختند.

**جلوی گرسنه ها در تمام سال هر چقدر غذا**

**بخوری مشکلی نیست.**

**اما جلوی روزه دارانی که خودشان خواسته اند که**

**چیزی نخورند نباید چیزی خورد!**

## گاف مهمی از عبدالعلی بازرگان پسر مهندس مهدی بازرگان

مانده از رویه ۶

بوده است و می شود به خوبی دقیق بودن این احادیث را حدس زد. در حقیقت آقای بازرگان بدین ترتیب درست بودن روایات و احادیث را مردود اعلام می کند و برای اثبات سخنش از آزمایشی سخن می گوید که در اصل بوسیله روشنفکر انگلیسی «ریچارد داوکنیز» انجام شده است. بازرگان می گوید چند سال پیش در تلویزیون دیدم ده نفر را کنار هم ردیف کرده اند. نفر اول جمله ای را آهسته زیر گوش نفر دوم می گوید، او هم جمله را به نفر سوم می گوید نفر سوم هم به همان شکل آهسته زیر گوش نفر بعدی می گوید تا اینکه از نفر دهم می خواهند جمله را بلند بگویند. نفر دهم جمله ای را بزبان می آورد که هیچ ارتباطی با جمله نفر نخست نداشته و جمله درهرفردی به فرد دیگر کم و زیاد شده و آخر سر هیچ شباهتی به جمله نفر اول ندارد یعنی در عرض ۵ دقیقه مردم شنیده های خود را عوض می کنند.

بازرگان ادامه می دهد، حالا در نظر بگیرید که در درازای ۲۲۰ سال از هجرت پیامبر گذشته در کتاب «بخاری» چقدر حقیقت وجود دارد، آن زمان هم که ضبط صوت نبوده است.

اهل تسنن شش کتاب حدیث و شیعیه چهار کتاب نوشته اند و در اختیار دارند، دوسه کتاب دیگر هم هفت هشت قرن بعد نوشته شده است که مورد استفاده قرار می گیرد. این تاریخچه کتاب های روایتی است و امروزه همه آن کتاب ها را معتبر می انگارند. و توجه ندارند که از نظر تاریخی این کتاب ها چگونه شکل گرفته است.

(م-خ) آقای بازرگان چطور خود اعراب در مورد نوشتن این کتاب های روایتی نویسندگان زیاد مهمی ندارند و نویسندگان همه ایرانی بوده اند؟ (ع-ب) بله درست است، محمد «بخاری» عرب نبوده اهل بخاری ایران قدیم است، مسلمیم حجاج اهل نیشابور، سنن ابن ماجه قزوینی، سنن ابوداود سجستانی که از سیستان بوده، سنن نسایی از خراسان بوده، سنن ترمذی که از بلاد ماوراءالنهر است. از شش تن نویسندگان پنج تایش ایرانی بوده اند. سپس کافی از شهرری، شیخ صدوق، شیخ طوسی همه ایرانی بوده اند. بعدها مجلسی، عاملی، فیض کاشانی همه ایرانی بودند.

(م-خ) آقای بازرگان چرا از زمان خود محمد یکی شروع به نوشتن سخنان محمد نکرده که مستقیماً نقل قول نوشته شود.

(ع-ب) گفتم که در زمان محمد نقل قول ها ممنوع بودند. چون حضرت نگران بودند که قول ها و نوشته ها در طول زمان عوض شوند. آن موقع هم که ضبط صوت نبوده است و بیشتر نگران بودند. یک دکان دیگری در

برابر قرآن باز شود. (آقای بازرگان به وضوح آوردن قرآن را یک دکان می نامد و می گوید پیامبر نگران بود دکانی در برابر دکان قرآن باز شود!!) بازرگان در اینجا خودش به مصاحبه کننده می گوید، باید پرسید چرا هیچکدام از یازده امام درباره روایات چیزی ننوشته اند آن ها که بیشتر واجد شرایط بوده اند.

بازرگان برای اثبات سخنش می گوید، همین امروز با بودن این همه رادیو، تلویزیون و ضبط صوت یک کسی حرفی می زند یک هفته بعد اظهار نظرها در مورد گفته آن شخص ضد و نقیض می شوند، چطور می شود پس از ۳۰۰ - ۴۰۰ سال سخن پیامبر را سینه به سینه که یکی از پدرش شنیده، آن دیگری از پدر بزرگش، آن یکی از فلانی شنیده بتوانیم بپذیریم. در اینجا آقای بازرگان سندی ارائه می دهد از نهج البلاغه که علی از قول پیامبر نقل قولی می کند که دروغ بوده. پیامبر ناچار می شود دست به یک سخنرانی برای مردم بزند و آن نقل قول را مردود اعلام کند و بگوید من زنده هستم و این همه دروغ می گویند اگر زنده نباشم از سخنان من چقدر دروغ خواهید ساخت. بازرگان خودش ادامه می دهد به این ترتیب امروز بحارالانوار دریایی از روایات و احادیث است که نمی تواند همه آن ها اعتباری داشته باشند. ولی با همه این ها ما که نمی توانیم همه این روایات و احادیث را دور بریزیم (چون می دانند آن روز روز پایان اسلام است) ما باید طلاهای بین این روایات را بیرون بیاوریم و پالایش کنیم، تصفیه کنیم و آن ها را نگه داریم برای آیندگان که نگاهی به آن ها داشته باشند. درباره اینکه قرآن در چه زمانی و در دوره چه حکمرانی جمع آوری شده سدها کتاب نوشته شده از نویسندگان قدیمی بعضی ها قرآن را نوشته و جمع آوری شده در زمان خود محمد می دانند، گروه دوم آن را به زمان ابوبکر متعلق می دانند، گروه سوم می گویند در زمان عمر قرآن جمع آوری شد و گروه آخر زمان عثمان را زمان جمع آوری شدن قرآن می دانند. گروه دیگری از علما ابوبکر را جمع آوری کننده قرآن می نامند و ابوبکر دستور می دهد همه آن ها را در یک کتاب بنویسند کلام ابوبکر نشان می دهد که قرآن های متعددی موجود بوده. تا اینکه گروهی از عثمان هم می گذرند و علی آخرین خلیفه را نویسنده و جمع آوری کننده قرآن می دانند.

**بیداری** - با اعتراف آقای بازرگان در مورد اینکه روایات و احادیث چون در ضبط صوت ثبت نشده و نقل قولها عوض شده اند و از سخنان پیامبر دستکم صد سال گذشته تا مردم دست به جمع آوری شنیده ها بزنند بخوبی بر می آید هر آنچه را در مورد اسلام و محمد و الله امروزه می شنویم بدون سند و مدرک است و میتواند همه اش کاملاً ساختگی و دروغ باشد و این گفته را او ناخواسته در این مصاحبه بوضوح بزبان می آورد و قرآن و داستان وحی و هر آنچه را از محمد شنیده ایم دست خورده و مردود اعلام می کند.

## فراموشتان نمی کنیم

یادتان گرامی باد که دیگر در میان ما نیستید .  
 یارانی که با قلم خود بیداری را پربار کردند .  
 دکتر شجاع الدین شفا - دکتر مسعود انصاری -  
 دکتر مرتضا میر آفتابی - پرفسور مسعود جمالی -  
 دکتر عزت اله همایونفر - دکتر محمد عاصمی -  
 پرویز مینویی - ناصر انقطاع - مهندس نادر پیمایی -  
 نادره افشاری - شایان کاویانی - رضا بزرگزاد - فرنگیس شاهرخی

و همراهانی که با همت بزرگ خود در یاری مالی، باعث  
 تداوم انتشار بیداری شدند و دیگر در میان ما نیستند .  
 منوچهر فرهنگی - آبتین ساسانفر - مهربان زرتشتی -  
 مهوش گلباد - علی گلباد - راضیه حقیقی - مهدی  
 ثابتی - دکتر ایرج دردشتی - رضا سهیل - تیمسار حبیب  
 الله بیژن - تیمسار رضا رزمی - سرهنگ احسن پاشایی -  
 سرهنگ جعفر بی طرف . یاد و نام همه شما عاشقان  
 ایران پایدار و جاوید باد

بهترین راه به دست آوردن بیداری از راه پست است  
 858-320-0013 bidari2@Hotmail.com

## بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

### آتش به اختیاران لس آنجلسی

هدف تبلیغاتی آخوندهای ایران حسینیه کردن کاخ سفید است .  
 برای رساندن آخوندها به این آرزو، یک مرکز اسلامی همه کاره  
 جمهوری اسلامی و یک رادیو قارقارک آگهی ها در لس آنجلس  
 دست به دست هم داده تلاش می کنند تا گوش ایرانی ها را ببرند  
 و گوش آمریکایی ها را هم آشنا کنند با روضه و اذان و قرآن و ربنا  
 و برگزاری قلبی و ظاهر سازی مجالس منظم آشتی کنان  
 آخوندهای سه دین اسلامی و مسیحی و کلیمی به همراه قیمه  
 خوری ربایان و کشیش ها در آن مرکز اسلامی در ماه رمضان، ماه  
 نا مبارک پر زحمت رمضان ماه عروسی آن مرکز اسلامی و آن رادیو  
 قارقارک آگهی ها و پخش خرافات شده است . آن ها از فرصت  
 این ماه رنج آور فقیر گش بهره برده در هر فرصتی میکروفون  
 خود را در اختیار جمهوری اسلامی و اهدافش قرار می دهند  
 گویی خیانت سلمان فارسی در ژن بسیاری از دینداران نهادینه  
 و ارثیه شده است . از ماست که بر ماست .

Prst Std  
 U.S. Postage  
 Paid  
 San Diego, CA  
 Permit No. 2129

BIDARI  
 P.O. Box 22777  
 San Diego CA 92192  
 U.S.A.